



منابع طبیعی به‌عنوان انفال

منابع طبیعی تجدیدشونده (جنگل، مرتع، آب و خاک) نقش مهم و حیاتی در زندگی موجودات زنده جانوری و گیاهی دارند. بی‌تردید بدون وجود این نعمات خدادادی انسان نیز نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. دین مبین اسلام به آن‌ها به‌عنوان انفال و موهبت الهی، اهمیت زیادی می‌دهد. انفال، یعنی بخشش‌های الهی و ثروت‌های خدادادی که در راه خدا و مردم باید مصرف شوند به‌طوری‌که در اولین آیه سوره مبارکه انفال، خداوند متعال به پیامبر گرامی می‌فرماید: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ**: «ای پیامبر از تو درباره انفال سؤال می‌کنند، بگو انفال مخصوص خدا و پیامبر است» (انفال/۱).

انفال، ثروت‌های طبیعی مثل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی و مرتعی را که حریم اشخاص نیستند، شامل می‌شود و در اختیار حکومت اسلامی است تا بر اساس مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل کند. شناسایی مالکیت امام مسلمین و حکومت اسلامی بر منابع طبیعی یادشده علاوه بر تعادل اقتصادی جامعه، کمک می‌کند تا حکومت ثروت ناشی از بهره‌وری انفال را در کاهش فاصله طبقاتی، عدالت اقتصادی و اجتماعی به کار گیرد. این امر در حفظ تعادل محیط زیست نیز مؤثر است؛ زیرا حکومت با وضع مقررات و اعمال آن‌ها در منابع طبیعی و موجودات زیست‌محیطی می‌تواند از تجاوز به حریم طبیعت جلوگیری کند و با برنامه‌ریزی همه‌جانبه به توسعه‌ی محیط زیست مبادرت ورزد. لذا طراحی انفال در نظام اقتصادی اسلام برای حکومت اسلامی یک روش بنیادی حفظ محیط‌زیست، قبل از آلودگی و تخریب آن‌ها تلقی می‌شود.

مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مدنی نیز بر مالکیت و تصرف دولت بر اموال عمومی بر اساس مصالح عمومی و منافع ملی اشاره دارد. بنابراین، انفال در عصر غیبت امام زمان در اختیار ولی‌فقیه و حکومت اسلامی قرار می‌گیرد تا نحوه صحیح استفاده عموم را از آن‌ها تعیین کند و بهره‌برداری از آن‌ها را تحت یک نظم خاصی در آورد؛ از این رو انفال در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عمومی از آن‌ها بهره‌برداری نماید.

نظر مراجع معظم تقلید از جمله آیات عظام بهجت^{ره}، مکارم شیرازی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی و موسوی اردبیلی^{ره} درباره بهره‌برداری از انفال چنین است: هرگونه تصرف غیرمجاز و آسیب رساندن به منابع طبیعی به‌عنوان انفال شرعاً جایز نیست و بهره‌برداری از این منابع باید با نظر و اذن ولی امر مسلمین و یا حاکم شرع انجام پذیرد؛ بنابراین تخریب، تجاوز و بهره‌برداری غیرمجاز و خلاف، نه تنها از نظر قانونی درست نبوده و جرم محسوب می‌شود بلکه مورد رضایت خداوند و امام زمان (عج) نیز نمی‌باشد، پس اگر فردی مسلمان باشد نباید دست به چنین اعمالی بزند.

از آنجا که در احادیث شریفه ائمه (ع) مواردی بیشمار درباره انفال و ضرورت صیانت از آن‌ها آمده و با عنایت به قاعده (لاضرر) که در احادیث پیامبر(ص) و ائمه (ع) مورد تأکید است در دین مبین اسلام ضرر رساندن به دیگران به شدت مورد نکوهش است. همانطور که امام خمینی^{ره} معتقدند قاعده لاضرر بر احکام حکومتی هم دلالت دارد. پیامبر اسلام ص در این خصوص می‌فرمایند: در حوزه حکومت اسلامی ضرر زدن به مؤمنان و مشکل‌آفرینی برای آنان ممنوع است.

با توجه به مطالب یاد شده، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت تخریب و تصرف انفال نوعی ضرر و زیان رساندن به عموم مردم است. برای مثال، تخریب جنگل‌ها و مراتع و آلودن خاک‌ها و آب‌ها باعث راه افتادن سیل‌های ویرانگر می‌گردد و باعث می‌شود خاک‌ها شسته شوند و بخشی از زمین‌های کشاورزی از بین می‌روند و بالطبع باعث نابودی جان انسان‌ها و دیگر موجودات خواهد شد. نهایت الامر تخریب و از بین بردن منابع طبیعی، مورد رضایت خداوند، پیامبر و امامان نمی‌باشد.

در اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر نیز اشاره شده است. لیکن وظیفه صیانت از اراضی ملی و منابع طبیعی به‌عنوان انفال مطابق قانون بر عهده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که این وظیفه حاکمیتی را به قائم‌مقامی از سوی رهبری و ولایت‌فقیه انجام می‌دهد که در صورت بروز هر نوع تخلف و تعدی در اراضی ملی، با متخلف برابر قانون رفتار می‌شود.



منابع طبیعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل چهل و پنجم: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

اصل پنجاهم: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.